



**دانشکده حقوق و علوم سیاسی**

**پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای  
(گرایش مطالعات آمریکای شمالی)**

**عنوان**

**نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در حمله آمریکا به  
افغانستان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱**

**استاد راهنما:**

**جناب آقای دکتر سیدداود آقایی**

**استاد مشاور:**

**جناب آقای دکتر فرهاد عطایی**

**نگارش:**

**آمنه احمدی**

**زمستان ۱۳۹۰**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ دو اسطورہ صبر و مہربانی

پدر و مادر دم

## چکیده:

حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر که تأثیرات شگرفی را بر احساسات عمومی گذاشت، سبب شد شورای امنیت بار دیگر بصورت یک قانون گذار بین المللی ظاهر شود که البته ممکن است مجدداً در معرض این اتهام قرار بگیرد که خارج از حدود صلاحیتش عمل کرده است. بعد از حوادث مذکور شورای امنیت قطعنامه ای تصویب کرد که در زمینه مبارزه با تروریسم، تعهدات و تکالیف متعددی را برای دولتها مورد شناسایی قرار می دهد. این قطعنامه معادل یک عهدنامه موفق بین المللی است، چرا که همه دولتها را متعهد می کند بی آنکه نیازی به طی مراحل مذاکرات طولانی باشد، به آن بپیوندند. حوادث فوق از آنجا که منافع یک عضو دائم شورای امنیت را به صورت متمرکز در معرض خطر قرار داده بود سبب تغییری بنیادین در نقش سنتی شورا شد و باعث شد که جامعه بین المللی روی موضوع تروریسم متمرکز شود و شورای امنیت به فواصل کوتاهی در قطعنامه مهم صادر نماید.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	عنوان
۱	فصل اول:
۱	کلیاتالف ( تعریف مساله:
۲	الف ( تعریف مساله:
۲	ب) هدف از طرح مورد نظر و ضرورت انجام آن:
۴	فرضیه های اصلی تحقیق:
۴	روش های اجرای طرح:
۵	پیشینه پژوهش
۷	چارچوب نظری
۹	فصل دوم:
۹	صلاحیت و اختیارات شورای امنیت در زمینه حفظ صلح و امنیت بین المللی
۱۱	مبحث اول: مفهوم صلح و امنیت بین المللی
۱۲	گفتار اول: صلح و امنیت بین المللی در منشور ملل متحد
۱۲	مبحث دوم: صلاحیت شورای امنیت
۱۳	گفتار اول: وظایف و اختیارات شورای امنیت
۱۴	گفتار دوم: حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات
۱۴	گفتار سوم: اقدامات قهری
۱۶	مبحث سوم: محدودیت های شورای امنیت
۱۶	گفتار اول: محدودیت شکلی
۱۷	گفتار دوم: محدودیتهای ماهوی
۱۸	مبحث چهارم: شورای امنیت در امر مداخله ی بشر دوستانه
۱۹	گفتار اول: شورای امنیت و ایفای مسئولیت
۲۰	گفتار دوم: مداخله بشر دوستانه توسط شورای امنیت
۲۱	الف) تمهیدات شورای امنیت
۲۱	ب) اقدامات نظامی
۲۳	مبحث پنجم: برخی تصمیمات قانون گذاری شورای امنیت
۲۳	گفتار اول: حمله عراق به کویت و تصمیمات شورای امنیت

۲۴	گفتار دوم: تصمیمات شورا به منظور ایجاد دادگاههای کیفری بین المللی
۲۵	گفتار سوم: وضعیت زنان در مخاصمات مسلحانه: قطعنامه ۱۳۲۵
۲۶	گفتار چهارم: قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت
۲۷	نتیجه گیری فصل دوم
۲۸	منابع فصل دوم
۳۱	فصل سوم:
۳۱	حوادث ۱۱ سپتامبر علل، عوامل و پی آمدها
۳۲	گفتار اول: حوادث ۱۱ سپتامبر
۳۴	گفتار دوم: واکنش مقامات آمریکایی به حملات ۱۱ سپتامبر
۳۷	گفتار سوم: مواضع جهانی در قبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر
۳۸	گفتار چهارم: واکنش سازمان ملل به حملات ۱۱ سپتامبر
۳۸	گفتار پنجم: پیامدهای ۱۱ سپتامبر بر نظام بین الملل
۳۹	محیط بازی
۳۹	تغییر محسوس قواعد بازی:
۴۱	محیط بین الملل:
۴۱	گفتار ششم: تحولات ساختاری ناشی از حادثه ۱۱ سپتامبر
۴۱	تأسیس وزارت امنیت داخلی:
۴۲	ایجاد فرماندهی واحد برای خاک ایالات متحده:
۴۳	گفتار هفتم: نو محافظه کاران و سیاست خارجی ایالات متحده پس از حملات ۱۱ سپتامبر
۴۵	گفتار هشتم: حمله آمریکا به عراق
۴۶	گفتار نهم: استراتژی کلان آمریکا بعد از حملات ۱۱ سپتامبر
۴۸	نتیجه گیری فصل سوم
۴۹	منابع فصل سوم
۵۲	فصل چهارم:
۵۲	رویکرد شورای امنیت در برخورد با حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله نیروهای ائتلاف به افغانستان
۵۳	الف: صدور قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت
۵۴	ب: صدور قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت
۵۶	مبحث اول: حملات ۱۱ سپتامبر و قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت
۶۱	گفتار اول: حمله به افغانستان
۶۲	گفتار دوم: تأثیر حملات ۱۱ سپتامبر بر حق قانونی دفاع مشروع
۶۴	گفتار سوم: توسعه دفاع مشروع در پرتو قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت

۶۷	مبحث دوم: قطعنامه ۱۳۷۳ و استراتژی شورای امنیت در مقابله با تروریسم
۶۸	گفتار الف: تعهدات دولتها و قطعنامه ۱۳۷۳
۶۸	الف-۱) ملزم بودن دولتها به همکاری و معاضدت با یکدیگر
۶۸	الف-۲) همکاری و معاضدت دولتها با یکدیگر در قالب اسناد سازمان ملل متحد
۷۰	الف-۳) همکاری و معاضدت دولتها با یکدیگر در پرتو قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت
۷۲	گفتار ب) جرم انگاری و تعقیب کیفری تروریسم
۷۴	ب-۱) جرم انگاری و تعقیب کیفری تروریسم در قالب اسناد سازمان ملل متحد
۷۵	ب-۲) جرم انگاری و تعقیب کیفری تروریسم در پرتو قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت
۷۶	گفتار ج) مقابله با تأمین و حمایت مالی تروریسم
۷۷	ج-۱) مقابله با تأمین و حمایت مالی تروریسم در قالب اسناد سازمان ملل متحد
۷۸	ج-۲) مقابله با تأمین و حمایت مالی تروریسم در پرتو قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت
۸۰	گفتار د) عدم پشتیبانی مستقیم و غیر مستقیم از تروریسم
۸۲	د-۱) عدم پشتیبانی از تروریسم در پرتو قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت
۸۳	نتیجه گیری فصل چهارم
۸۴	منابع فصل چهارم
۸۸	فصل پنجم:
۸۸	آثار و پیامدهای ناشی از حمله نیروهای ائتلاف به افغانستان
۹۰	مبحث اول: ناتو در افغانستان
۹۱	گفتار اول: ایساف
۹۲	گفتار دوم: مبارزه با طالبان و القاعده
۹۴	گفتار سوم: تعهدات ناتو در افغانستان
۹۶	گفتار چهارم: راهبردهای امنیتی ناتو در افغانستان
۹۶	۱) تیم های بازسازی ولایات
۹۸	۲) تقویت اردوی ملی (ارتش) افغانستان
۹۹	مبحث دوم: ایجاد ثبات و امنیت در افغانستان
۹۹	گفتار اول: موافقتنامه بن در راستای تحکیم ثبات
۱۰۱	گفتار دوم: خلع سلاح گروههای مسلح غیر قانونی
۱۰۲	مبحث سوم: ایالات متحده امریکا و دولت - ملت سازی در افغانستان
۱۰۲	گفتار اول: دولت - ملت سازی در افغانستان
۱۰۲	گفتار دوم: تقویت حکومت مرکزی و استقرار دموکراسی
۱۰۳	اول: امنیت

۱۰۴	دوم: اقتصاد
۱۰۶	استقرار دموکراسی
۱۰۷	مبحث چهارم: آمریکا و قدرت های بزرگ حوزه افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر
۱۰۸	گفتار اول: کنترل و نظارت بر رقابای همچون چین، روسیه و ایران
۱۰۸	گفتار دوم: روسیه
۱۱۳	گفتار چهارم: هند
۱۱۴	گفتار پنجم: جلوگیری از پیشی گرفتن رقباى اروپایی
۱۱۵	نتیجه گیری فصل پنجم
۱۱۷	منابع فصل پنجم
۱۱۹	نتیجه گیری نهایی
۱۲۱	اثبات فرضیه
۱۲۴	منابع و مآخذ
۱۲۵	ب) مقالات
۱۲۸	ج) منابع لاتین
۱۲۸	کتاب
۱۲۹	مقالات
۱۳۱	د) منابع اینترنتی



**فصل اول:**

**کلیات**

## الف ( تعریف مساله:

همانطور که دهه نود سرآغاز فصلی نوین در شکل و ماهیت نظام بین الملل محسوب می شود، که باعث تحولات اساسی در ساختار نظام بین الملل شد، رخداد ۱۱ سپتامبر، حادثه ای فوق العاده تأثیر گذار در ابتدای هزاره سوم میلادی بود. تغییر معادلات ژئوپولتیکی در خاور میانه هم یکی از پیامدهای حادثه ۱۱ سپتامبر بود به ویژه همه آن تحولاتی که از نظر داخلی بر سیاست، اقتصاد و جامعه افغانستان بر جای گذاشت. اما صرف نظر از دلایل پنهان و آشکار رخداد حادثه ۱۱ سپتامبر، و تأثیرات گوناگون بر این کشور، باید این پرسش مهم را بدون پاسخ نگذاشت که چه دلایلی آمریکا را وادار به حمله دهشتناک به سراسر افغانستان با هدف نابودی القاعده کرد؟

آنچه در پایان نامه حاضر به آن پرداخته می شود رسیدگی مفصل به این پرسش است و در واکاوی ریشه های این حادثه از منظرهای حقوق بین الملل و مطالعات منطقه ای ریشه یابی می شود. باید افزود، آمریکا با توجیهات و دلایلی که لاقلاً از نظر خود آمریکا قانع کننده بود به دفاع از خویش در برابر پدیده تروریسم که تمامیت ارضی و حاکمیت ملی آن را مورد تهاجم قرار داده بود پرداخت. مسأله جالب توجه در این بین آن است که نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در اقدام آمریکا در حمله به افغانستان چیست؟ و با توجه به این که آمریکا حمله را برای جامعه بین المللی باور پذیر ساخت، پس فرایند همسو شدن یا به عبارت بهتر موافقت شورای امنیت در طی مراحل حمله به افغانستان چگونه بود؟ و از طرفی مکانیسم شورای امنیت سازمان ملل متحد در این فرایند، چه نقشی را برای این رکن از سازمان ملل ایجاد کرد؟

در پایان نامه حاضر، مسأله اساسی این است که ارتباط آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره حمله آمریکا به افغانستان چیست؟

## ب) هدف از طرح مورد نظر و ضرورت انجام آن:

### اول؛

آمریکا، خاور میانه را هم طبق تعاریف منافع ملی آمریکا، جزء محیط امنیتی خود قلمداد می کند. بنابراین رفتار شناسی آمریکا در سیاست خارجی این کشور به ویژه در منطقه آمریکای شمالی و در منطقه خاور میانه از حوزه های مطالعاتی رشته "مطالعات آمریکای شمالی" می باشد. با این وصف انجام پژوهش در باره موارد مرتبط با آمریکا منجر به تولید ادبیات پژوهشی در رشته پژوهشگر این پایان نامه می باشد.

## دوم؛

با وجود اینکه موضوع حادثه ۱۱ سپتامبر از جنبه های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته اما بحث چگونگی و چرایی همسویی شورای امنیت و آمریکا در حمله آمریکا به افغانستان لاقلاً در کشور ایران کمتر مورد مذاقه محافل دانشگاهی قرار گرفته شده است. به این علت علاقه خاص پژوهشگر این پایان نامه نگاه کارشناسی به موضوع مورد بحث می باشد.

## سوم؛

پژوهشگر تز حاضر ؛ خود از شهروندان کشور افغانستان است . و در کشور افغانستان موارد مطالعاتی در این خصوص در حداقل می باشند و تحصیل در دانشگاه تهران فرصت مغتنمی است که موجب تولید ادبیات علمی در این موضوع برای بنده باشد.

## چهارم؛

آنکه به هر حال شناخت الگوهای رفتاری آمریکا به ویژه در موارد خاص که جنبه بین المللی و جهان شمول پیدا می کند ، خود از سرچشمه های شناخت سیاست خارجی آمریکا و روندهای بلند مدت حاکم بر کاخ سفید می باشد. در نهایت ، کشور افغانستان در مرکز ثقل ژئوپولتیکی خاور میانه قرار دارد و بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ محل تلاقی منافع کشور های مختلفی است . این پژوهش فی نفسه امکان بررسی دقیق تر دلایل این موضوع را فراهم می کند.

## ج) پرسش های پژوهش و فرضیه های اصلی و جایگزین:

### پرسشهای تحقیق:

#### پرسش اصلی:

نقش شورای امنیت در زمینه سازی نیروهای ائتلاف در حمله به افغانستان پس از حوادث یازده سپتامبر چیست؟

#### پرسش فرعی:

دلایل و توجیهات تصویب قطعنامه های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ به عنوان مجوزی برای حمله به آمریکا به افغانستان چه بوده است؟

## فرضیه های اصلی تحقیق:

### فرضیه اصلی:

( از نگاه شورای امنیت) آمریکا در حوادث ۱۱ سپتامبر مورد تجاوز قرار گرفت. پس، از نظر شورای امنیت آمریکا در مقام دفاع مشروع از خود می توانست عوامل ۱۱ سپتامبر یعنی گروه القاعده و دولت افغانستان به عنوان حامی گروه القاعده را مورد حمله نظامی قرار دهد.

### فرضیه فرعی اول:

شورای امنیت و آمریکا با یافتن مدارک و شواهد کافی اثبات کردند که عاملان حادثه ۱۱ سپتامبر، گروه القاعده است و دولت افغانستان هم از این گروه حمایت کرده است بنابراین در مقام دفاع مشروع از آمریکا این مجوز به آمریکا داده شد که به افغانستان حمله نظامی صورت گیرد.

### فرضیه فرعی دوم:

به علت وجود دلایلی که آمریکا را قانع کرد که ممکن است گروه القاعده از عوامل حادثه ۱۱ سپتامبر باشند، آمریکا هم با استفاده از قاعده دفاع مشروع پیش دستانه به خاطر احتمال حملات قریب الوقوع به آمریکا، حمله به افغانستان را با هدف نابودی گروه القاعده، حق مشروع خود دانست.

## روش های اجرای طرح:

### ۱. جمع آوری اطلاعات:

با توجه به این که این پژوهش مبتنی بر داده هایی است شامل: اسناد حقوقی، قطعنامه های حقوقی، مصاحبه ها، تصمیمات سیاسی، نطق های سیاسی، و مواردی این چنینی ...  
بنابر این روش جمع آوری و بررسی اطلاعات - اسنادی کتابخانه ای و منابع آرشیو است که در پایان نامه حاضر از آن روش استفاده خواهد شد. در برخی موارد مصاحبه با کارشناسان و صاحب نظران هم مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت.  
در این تز، استدلال استقرایی نقطه اتکای اصلی برای شناخت روندهای عمده سنجش فرضیه های تحقیق است.

## پیشینه پژوهش

در این زمینه ادبیات تألیف شده به زبان فارسی در حداقل ممکن است. اما در اینجا به عمده ترین آنها که ارتباط غیرمستقیمی با موضوع دارند می پردازیم.

۱- کتاب ( نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی ) \_ توسط دکتر سید داوود آقایی نوشته شده است.

این کتاب که در شش فصل نوشته شده است، سیر کلی و جامع روند شکل گیری ساختار نظام بین الملل پس از جنگ جهانی دوم و عملکرد شورای امنیت را در بحرانهای مختلف به بررسی و نقد گذاشته است. فصل ششم این کتاب به شکل نسبتاً جامعی رویه های تازه را در عملکرد شورای امنیت به ویژه در بحران ۱۱ سپتامبر و نقش شورای امنیت و آمریکا را در این حادثه و توجیحات حقوقی آن فرایند را بیان کرده است. بررسی قطعنامه های شورای امنیت و استدلال های آمریکا در حمله به افغانستان، محتوی اصلی این فصل می باشد.

۲- کتاب ( شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین المللی ) \_ که توسط خانم فریده شایگان نوشته شده است.

این کتاب شامل بیان کلیاتی در مورد مفهوم صلح و امنیت بین المللی و سه بخش می باشد. بخش اول با عنوان "حدود صلاحیت شورای امنیت در زمینه حفظ صلح و امنیت بین المللی" در سه فصل ارائه شده است. بخش دوم با عنوان "توسعه مفهوم تهدید بر صلح" در سه فصل به برجسته ترین مواردی که شورای امنیت آنها را "تهدید بر صلح" تقی کرده است مورد بررسی قرار میدهد. و بخش پایانی نیز به بررسی بعضی از مهم ترین آثار "توسعه و تحول مفهوم صلح و امنیت بین المللی" در عملکرد شورای امنیت، اختصاص دارد.

این کتاب بر آن است تا سعی در روشن کردن این مفهوم ایفا کند که رکن اجرای صلح سازمان ملل متحد، یعنی شورای امنیت برای تضمین اجرای تصمیمات خود نیازمند همکاری دولتهای عضو سازمان است، و این منظور کاملاً تامین نخواهد شد مگر آنکه شورای امنیت از اعتبار و مشروعیت بین المللی لازم برخوردار باشد. برای این منظور نه تنها شورای امنیت باید حدودی را رعایت کند بلکه باید از عملکرد دوگانه در موارد مشابه پرهیز نماید.

۳- کتاب ( بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت ) \_ که توسط آقای محمد شریف به تالیف درآمده است.

این کتاب که از پنج فصل تشکیل شده است، سعی بر آن دارد که با یک نگرش حقوقی، ایجاد و استمرار حیات سازمان اجتماعی بشری در بستر تاریخ مورد تحلیل قرار گیرد و استمرار این سیر تکاملی را در تاریخ ترسیم کند و انحراف این سیر را از مسیر اصلی که طرح دکترین نامحدود بودن صلاحیت های شورای امنیت، حاصل آن بوده است را به نمایش بگذارد. همچنین شیوه های بکارگرفته شده طبق رویه های قضایی و بویژه آراء و نظریات دیوان دائمی دادگستری بین المللی، جهت تفسیر منشور ملل متحد را مورد نقد قرار داده است. در ادامه نیز آثار دکترین نامحدود بودن صلاحیت های شورای امنیت را در ارکان مختلف سازمان ملل متحد مورد ارزیابی قرار داده و تلاش دو لتهای کشورهای توسعه یافته صنعتی جهت همگون ساختن این ارکان با دکترین یاد شده را تحلیل می نماید.

۴- کتاب ( صلاحیت قانون گذاری شورای امنیت ) \_ نوشته آقای سید حسین سادات میدانی

است.

این کتاب که در هفت فصل نوشته شده است به این موضوع می پردازد که شورای امنیت پس از جنگ سرد با تغییرات کمی و کیفی مواجه گردیده است. از جنبه کمی از یک طرف تعداد قطعنامه ها افزایش یافته است و از طرف دیگر در حالی که در دوره جنگ سرد به دلیل روابط بلوکی، ورود به برخی حوزه ها میسر نبود، ورود شورای امنیت به برخی حوزه ها گسترش یافته است. از جنبه کیفی نیز شورا با تفسیر موسع مفهوم " صلح و امنیت بین المللی " نسبت به موضوعات مختلفی واکنش نشان داده است. حال اینکه در دوره جنگ سرد اساسا این چنین مقولاتی حائز شرایط ماده ۳۹ منشور نمی گردید. در این خصوص می توان به موارد نقض گسترده حقوق بشر، وقوع جنگهای داخلی، دموکراسی و تروریسم اشاره کرد. با این حال شورا دامنه فعالیت خویش را صرفا از طریق فوق گسترش نداده است. در مواردی که شورا تبدیل به یک رکن مرتبط با مسائل حقوقی محض گردیده است و نقش های جدیدی همانند قانونگذاری، تعیین حقوق و اعمال حقوق را نیز ایفا کرده است، وظایفی که صراحتا در منشور نمی توان جایگاهی برای آن پیدا کرد. این کتاب از میان موارد فوق صرفا به مساله قانون گذاری شورا پس از جنگ سرد و صلاحیت سازمانی مرتبط با آن پرداخته است. در این قالب قانونگذاری شورا عبارت است از اقداماتی که مستقیما برای دولتها حقوق و تکالیفی را ایجاد می نماید. حال اینکه اثر اجتناب ناپذیر اقدامات متخذه به منظور حفظ صلح واقعی در قبال وضعیتهای مندرج در ماده ۳۹ منشور نباشد.

## چارچوب نظری

در سالهای اخیر و بویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در حوزه دفاع مشروع نقطه نظرانی مطرح گردیده که دفاع مشروع بدون رعایت برخی شرطهای پیش گفته را در وضعیت های خاص مجاز می شمارد. این دکترین و نقطه نظرات به دفاع مشروع پیش دستانه معروف شده است. که مفهومی غیر از دفاع مشروع پیشگیرانه می باشد. طبق دکترین دفاع مشروع پیش دستانه پاسخ مسلحانه به حملات قریب الوقوع یا آنجا که حمله ای وقوع یافته و دولت قربانی دریافته است که حملات بیشتری در حال طراحی است مجاز می باشد.

دکترین دفاع مشروع پیش دستانه توسل به زور را در چند حالت مجاز می شمارد: حالت اول این است که شواهد متقاعد کننده ای نه صرفا مبتنی بر تهدید یا خطر بالقوه بلکه مبنی بر حمله ای قریب الوقوع وجود دارد و بنابراین، احتمالا حمله ای مسلحانه صورت می گیرد. در این حالت که حمله مسلحانه قریب الوقوع است یک دولت می تواند به دفاع مشروع پیش دستانه استناد کند.

حالت دوم این است که دولتی یک بار مورد حمله مسلحانه قرار گرفته است و در حال حاضر شواهد آشکار و متقاعد کننده ای مبنی بر آمادگی دشمن برای حمله مجدد وجود دارد. در این حالت نیازی نیست که دولت قربانی منتظر وقوع حمله دیگری بماند لذا می تواند به دفاع مشروع پیش دستانه متوسل شود. در این حالت دفاع باید پس از گذشت زمان مطلوبی از حمله اولیه صورت گیرد و ویژگی دفاع متناسب با حملات مسلحانه آتی را داشته باشد چنانچه تروریست ها در حال طراحی یک سلسله حملات باشند دولت قربانی می تواند جهت جلوگیری از حملات آتی و یا داشتن شواهد متقاعد کننده ای اقدام کند. با این وجود در صورت فقدان شواهد متقاعد کننده مبنی بر حملات آتی توسل به نیروی مسلحانه طبق دفاع مشروع قانونی خواهد بود. پاسخ جهانی به حملات ۱۱ سپتامبر این مساله را تأیید می کند.

پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ایالات متحده آمریکا و بریتانیا اقداماتی علیه افغانستان انجام دادند آنها به وجود شواهدی مبنی بر وقوع حملات بیشتر در آینده اشاره می کردند. این دو کشور تأکید می کردند که حملات ۱۱ سپتامبر بخشی از سلسله حملاتی بود که از ۱۹۹۳ میلادی علیه ایالات متحده شروع شده است آنها عنوان می کردند که مرتکبان این حملات در حال طراحی حملات بیشتری هستند.

اقدامات ایالات متحده و نیروی ائتلاف پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می تواند دفاع مشروع پیش دستانه را در مواردی که حمله ای اتفاق افتاده است و شواهد متقاعد کننده ای مبنی بر طراحی حملات بیشتر وجود دارد هر چند این حملات هنوز شروع نشده است، تقویت کند. اما باید توجه داشت که حقوق بین الملل جاری دفاع مشروع پیش دستانه و دفاع مشروع پیش گیرانه را ممنوع می داند، بر این اساس یک دولت نمی تواند هنگامی که تنها احتمال فرضی یک حمله وجود دارد و حتی در

مورد وجود سلاح های کشتار جمعی، علیه دولت دیگر متوسل به زور شود. لذا با توجه به رویه دولت‌ها و اصول کلی حقوقی، به طور عمومی حقوقدانان از طریق یک استدلال منطقی پذیرفته اند، هرگاه دولتی اطمینان یابد که حمله ای علیه او انجام خواهد شد می بایست قبل از دفاع منتظر وقوع ضربه واقعی باشد. بنابراین "حق دفاع از خود پیش از موعد" بسیار محدود است، این حالت توسط سرهمفری والدوک اینگونه توصیف گردیده است:

هنگامی که شواهد حتمی ( و نه صرفاً تهدید ) و خطرات بالقوه ای وجود دارد و این وضعیت واقعا همانند یک حمله می باشد، به نحوی که به رغم عدم عبور از مرز بتوان بیان داشت، حمله مسلحانه به وقوع پیوسته است. در چنین صورتی می توان در دفاع از خود به زور متوسل شد.



**فصل دوم:**

**صلاحیت و اختیارات شورای امنیت  
در زمینه حفظ صلح و امنیت  
بین المللی**

از زمان تاسیس سازمان ملل متحد تاکنون قریب هفتاد سال می گذرد. با این وجود همچنان درباره میزان تاثیر این سازمان در بحرانها و حل و فصل آنها ابهام وجود دارد.

سازمان ملل متحد در دوران فعالیت خود با توجه به اهدافش که در ماده یک منشور تصریح شده است، در زمینه مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به فعالیت پرداخته است. اما با توجه به هدف حفظ صلح و امنیت بین المللی که مهمترین هدف سازمان ملل محسوب می شود و بسیاری آن را علت العلل تاسیس این سازمان می دانند، به فعالیت در زمینه حفظ صلح و امنیت بین المللی بیش از دیگر فعالیتها توجه می شود و نقش سازمان ملل بر حسب عملکردش در بحرانها و توانش برای حل و فصل بحرانها و ایجاد صلح و امنیت ارزیابی می گردد.

در میان ارکان مختلف سازمان ملل متحد، شورای امنیت بیش از هر رکن دیگری درگیر مسئله حفظ صلح و امنیت بین المللی می باشد.

هر چند فعالیت دیگر ارکان، مستقیم یا غیر مستقیم، با حفظ صلح و امنیت بین المللی ارتباط دارد، طبق ماده ۲۴ منشور به طور رسمی و مستقیم مسئولیت اساسی حفظ صلح و امنیت بین المللی بر عهده شورای امنیت است و این نهاد موظف است تمام تلاش و توان خود را در جهت رسیدن به این هدف به کار گیرد.

با توجه به این مسئولیت شورای امنیت و نیز هدف اصلی سازمان ملل، یعنی حفظ صلح و امنیت بین المللی، نقش سازمان ملل، نه براساس عملکردش در تمام حوزه های فعالیت بلکه بر اساس عملکرد شورای امنیت در پیش گیری از درگیریها، پایان دادن به جنگها و حل و فصل بحرانهایی که تهدیدی برای صلح و امنیت به حساب می آیند ارزیابی می شود. (۱)

## مبحث اول: مفهوم صلح و امنیت بین المللی

یافته های مطالعات صلح حاکی از آن است که صلح را باید چیزی فراتر از فقدان جنگ دانست. صرف عدم وجود جنگ تضمین نمی کند که در آینده نیز جنگی رخ نمی دهد. صلح مثبت به وضعیتی اشاره دارد که در طی آن سعی بر آن است که دلایل بروز درگیریها حل و فصل شود. (۲) صلح در مفهوم مضیق به معنی فقدان تهدید و توسل به زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولتها است که صلح منفی گویند. عبارت امنیت شامل بخشهایی خواهد بود که معمولا به مفهوم صلح مثبت اشاره دارد و به طور کلی عبارت امنیت شامل فعالیتهایی است که برای حفظ شرایط صلح ضروری است. (۳)

بند ۲ و ۳ ماده ۱ منشور تقویت صلح از طریق توسعه روابط دوستانه بین المللی را بیان می کند که منجر به کاهش علل و زمینه های وقوع جنگ و تحکیم صلح جهانی خواهد بود و همانطور که از ماده ۵۰ منشور بر می آید، هدف حصول این اهداف از طریق مسالمت آمیز بوده است و اجرای حقوق بشر به عنوان یکی از ابزار تحقق صلح خودنمایی می کند. از یک سو هدف اصلی سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین المللی و جلوگیری از وقوع جنگ است و از سوی دیگر، از بین بردن زمینه های وقوع درگیری یا تحکیم صلح مستلزم مبارزه با سلطه استعماری، آپارتاید و ترویج احترام به حقوق بشر به ویژه با حمایت از اصل حق ملتها در تعیین سرنوشت خویش است که منجر به شناسایی طرق مشروع اعمال زور و خشونت برای تحقق آن اهداف گردیده است. (۴)

تعریف امنیت بین المللی و درک و تصویری که از مفهوم آن در هر زمان وجود دارد، مستقیما به ماهیت خطر موجود برای تهدید امنیت بستگی دارد از این رو مفهوم امنیت تصویری است از وضعیت و شرایط آتی کشور که دولتها به وسیله تاثیر، تغییر یا حمایت رفتار یا عملکرد دیگر کشورها، قصد دستیابی به آن هدف و در نتیجه ایجاد امنیت برای کشور خود را در نظر دارند. (۵)

امنیت بین المللی نتیجه جمع امنیت کل دول عضو است و هدفی وسیع تر از فقدان جنگ دارد. مفهوم امنیت مشترک، تابع الزامات ناشی از نسبیت گرایی در قواعد حقوقی (نسبی است) مبتنی بر فرضی است که در عصر همبستگی متقابل هیچ ملتی به تنهایی نمی تواند به امنیت دست یابد. بر خلاف مفهوم سنتی امنیت جمعی که بیشتر در مقابل تجاوز به کار می رفت در ادبیات نوین مفهوم امنیت انسانی رواج پیدا کرده است که به معنی ایمنی از تهدیدات جدی دنیای امروز نظیر گرسنگی، بیماری، ستمدیدگی و آثار و تبعات زیانبار و ناگهانی ناشی از شکل زندگی جهان معاصر است (۶) که باعث گسترش امنیت جهانی از امنیت دولتها به امنیت انسانها و نباتات و گیاهان شده است.

## گفتار اول: صلح و امنیت بین المللی در منشور ملل متحد

سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ به عنوان ابزار نظم و قانون و ابزار صلح "برای نجات نسلهای آینده از بلای جنگ" ایجاد شد. هدف منشور به وضوح جلوگیری از جنگ یا حفظ صلح در مفهوم سلبی آن بود. (۷)

بدین منظور ماده (۴) ۲ منشور تهدید به زور یا استفاده از زور را منع کرده است و سازماندهی امنیت جمعی را به شورای امنیت محول نموده است. وظیفه اتخاذ اقدام جمعی در مورد تهدید بر صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز، به عنوان واکنشی جمعی بر علیه دولتی که هدفش تغییر وضع موجود به وسیله زور است، به شورای امنیت واگذار شد.

منشور به ظاهر حاوی مواد متضاد و معارض است. از یک سو در قسمت اول ماده (۱) ۱ و به طریق پیش بینی شده در فصل هفتم، رسالتش را حفظ وضع موجود می داند از سوی دیگر در بندهای ۲ و ۳ ماده ۱ و ماده ۵۵ منشور و برخی مواد دیگر، تغییر مطلوب جهان را از طریق توسعه روابط دوستانه در بین ملل و همکاری بین المللی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، بشر دوستانه و... مدنظر قرار داده است. (۸)

طبق منشور ملل متحد، استفاده از زور فقط در دو صورت امکان پذیر است:

یکی در اجرای نظام امنیت جمعی در مواردی که صلح مورد تهدید قرار گرفته، نقض شده و یا اقدام تجاوز کارانه ای صورت گرفته است و دیگری در دفاع از خود به این ترتیب توسل انفرادی دولتها به زور فقط در دفاع از خود امکان دارد نه برای تعقیب حقوق قانونی یا مفهوم عدالت. (۹)

با مکانیسم پیش بینی شده در منشور، یعنی محدود کردن توسل به زور به دفاع از خود و اقدام جمعی و پیش بینی عدالت سیاسی و اجتماعی، نیازی به توسل فردی و زور نبود ویژگی مفهوم امنیت جمعی، حمایت از اعضای نظام مزبور در مقابل حمله ای احتمالی از طرف عضوی دیگر از همان نظام است نه حمایت در مقابل یک تهدید خارجی. (۱۰)

## مبحث دوم: صلاحیت شورای امنیت

بند یک ماده ۲۴ منشور ملل متحد مقرر می دارد: ((به منظور اتخاذ اقدام سریع و موثر از سوی سازمان ملل متحد، اعضای ملل متحد مسئولیت اولیه صلح و امنیت بین المللی را به شورای امنیت اعطا می کنند که شورای امنیت در انجام وظایف خویش در راستای این مسئولیت به نمایندگی از آنها عمل کند.))